

بررسی ساختار ادبی و محتوای کتاب ادبیات فارسی پایه دهم

هما حقگو^۱

^۱ کارشناسی ارشد رشته ادبیات فارسی

چکیده

برگ برگ ادب و فرهنگ ایران زمین جلوه گاه نمایش آثار منظور و منشور فرهیختگان اندیشه ور است و کتاب ادبیات آیینی اندیشه ها، باورها، هنرمندی ها و عظمت روحی و معنوی هر ملت است. آنچه که در این پژوهش مورد نقد و کاوش قرار گرفته است نکات ادبی اخلاقی و دستوری کتاب ادبیات فارسی پایه دهم می باشد. در بررسی و کاوش متن درس در آغاز به توضیح آن پرداخته و سپس معایب و محاسن و نکات مثبت و منفی آن در نظر گرفته شده است و به نکات ادبی اخلاقی و دستوری آن پرداخته شده است و سپس به بررسی محتوای کیفی و کمی کتاب درسی مورد نظر پرداخته شده و چند رهنمود و راهکار در جهت حفظ و اعتلای زبان و ادب فارسی و آموزش صحیح آن اشاره شده است.

واژه‌های کلیدی: ادبیات، فارسی، بررسی محتوا، ساختار

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

زبان هر قوم پیوندهای عمیقی با فرهنگ آن قوم دارد، به شکلی که اگر فرهنگ هر قوم به هر دلیلی تغییر کند بی تردید در زبان آن قوم تغییرات بنیادی و اساسی صورت خواهد پذیرفت نمونه کامل این امر جایگزینی فرهنگ اسلامی به جای فرهنگ مزدیسنا و در نتیجه روی کار آمدن زبان امروزی به جای زبان پهلوی است. بی شک ارزشمندترین میراث فرهنگی هر تمدنی که به وسیله آن زبان قوم دوام یافته است آثار ادبی آن قوم می باشد. آثاری که جلوه گر اندیشه ها باورها هنرمندی ها و عظمت روحی و معنوی یک ملت می باشد. آثار ادبی ایران از غنی ترین آثار ادبی جهان به شمار می رود و مطالعه دقیق و عمیق این آثار به جان طراوتی می بخشد و ذهن و ضمیر آدمی را شکوفا و بارور می سازد. در متون درسی مربوط به ادبیات فارسی از نمونه های برجسته ادبی این سرزمین بهره بسیاری گرفته شده است اما این بهره گیری بر مبنای سلیق و ذوق ادبی گردآورندگان آنان و خارج از یک رویه آموزشی مطابق با روش های علمی تعلیم و تربیت شکل گرفته است، انتخاب متون کتب درسی بر اساس نگرش های مصلحت گرایانه، بی توجهی به موازین زیبایی شناسی و علمی در نظام آموزشی و نیز قناعت ورزی معلم و دانش آموز به حداقل ها سبب شده است که بین نسل امروز ایرانی و گذشته پر بار فرهنگی این سرزمین فاصله و گسستگی به وجود آید. در این مقاله تلاش شده است که با بررسی و نقد محتوای کتاب ادبیات فارسی پایه دهم متوسطه ارزش علمی و آموزشی کتاب مورد نظر در معرض ارزیابی و داوری قرار گیرد و ارتباط و تناسب متون انتخاب شده با شرایط سنی دانش آموزان و نیز اهداف تعیین شده برای آموزش ادب فارسی بررسی شود تا معلوم گردد که آثار انتخاب شده چه اندازه نمایشگر شیوه ادبی و سبک شعری شاعران مورد نظر است و به چه میزان با برنامه ریزی اهداف آموزشی زبان و ادب فارسی همخوانی دارد. با توجه به نوع این پژوهش برای گردآوری اطلاعات از روش کتابخانه ای استفاده شده است و آثار مورد نظر با استفاده از کتاب های مرجع و شرح ها و تفسیرهای که بر آثار این بزرگان نوشته شده است معنا شده است.

ساختار کتاب ادبیات پایه دهم

کتاب ادبیات فارسی عمومی دهم، هشت فصل دارد، فصل اول کتاب با «ادبیات تعلیمی» آغاز می شود. ادبیاتی که قرار است موضوع و مفهومی اخلاقی و پندآموز داشته باشد. فصل دوم کتاب با عنوان «ادبیات سفر و زندگی» با بخشی از سفر به بصره ناصرخسرو شروع می شود. فصل سوم «ادبیات غنایی» است که با شعری از حافظ شروع می شود:

هر آن که جانب اهل وفا نگه دارد خدای در همه حال از بلا نگه دارد

شعری که مضمون آن کاملاً اخلاقی است. ضمن این که اصلاً غنایی نیست و حتی روح عرفانی هم ندارد. فصل چهارم کتاب به «ادبیات پایداری» اختصاص دارد. فصل پنجم از کتاب ادبیات دهم به «ادبیات انقلاب اسلامی» می پردازد. ادبیاتی که طبعاً از سال ۱۳۵۷ به بعد شکل گرفت. فصل ششم کتاب درباره «ادبیات حماسی» است و بی شک نمی توان نام فردوسی را از آن جدا کرد. «نبرد رستم و اشکبوس» با چهل بیت شعر، درس دوازدهم کتاب است. فصل هفتم کتاب به «ادبیات داستانی» اختصاص دارد. فصلی که قرار است دانش آموز با متونی مواجه شود که مفاهیمی را به شکل داستانی انتقال داده اند. فصل هشتم و پایانی کتاب به «ادبیات جهان» می پردازد.

بررسی چند درس کتاب

درس کلاس نقاشی عنوان درسی است به نثر ادبی با موضوع زندگی نامه که از کتاب اتاق آبی سهراب سپهری نقل شده است است. اصولاً نویسندگی ادبی این ویژگی را دارد که الزاماً تنوع پذیر است و سپهری تنوع در افعال را این گونه ارائه می دهد:

الف) ساختاری: یعنی به کمک ساخت های ساده، مرکب و پیشوندی در کلام ایجاد تنوع کرده است. او به این وسیله علاوه بر این که از تکرار ممانعت به عمل آورده معانی دیگری از افعال را به دست آورده است، مانند رنگ را نگارین می ریخت (ساده- به کار می برد)، سگ را روان گرته می ریخت (مرکب -گرته میزد، ترسیم می کرد) شاگردی از در مخالفت صدا برداشت (پیش وندی- بلند کرد)

ب) از یک فعل در ساختمان ساده اش معانی مختلف می گیرد: مانند به تخته سیاه با گچ طرح جانوری می ریخت (ساده- می کشید)

ج) سپهری گاهی برای یک معنی از فعل های متعدد استفاده کرده است. به عنوان مثال برای کشیدن و رسم کردن آورده است: معلم مرغان را گویا می کشید، گوزن را رعنا رقم می زد، فک زیرین را پیمود.

پرسشی که در اینجا به ذهن می رسد آن است که چگونه سپهری به راز این ترکیبها دست یافته است؟ پاسخ آن است او به مدد قدرت شاعرانه و نبوغ در هنر نقاشی به کشف این راز هنری رسیده است. از این رو دانش آموزان پایه دهم می آموزند که چگونه از افعال در آفرینش آثار ادبی سود جویند. جمله بندی ترکیبات و توصیفات این درس می تواند مواد مناسبی برای تمرین موضوع توصیف پایه دهم باشد.

در داستان بقال و طوطی، بقال طوطی خوشنواز و سبز رنگ زیبایی داشت، این طوطی نگهبان دکان بود و با مشتریان نکته ها می گرفت، هم به زبان آدمیان خوب حرف می زد هم مانند طوطیان آواز می خواند. روزی بقال صاحب دکان به خانه رفت در غیاب او طوطی در گوشه و کنار دکان پرواز کرد و پرو بال زد و شیشه های روغن بادام را به زمین ریخت و شکست. پس از مدتی بقال به دکان برگشت و دید روغن ها بر زمین ریخته و دکان روغنی و چرب شده است، بقال از این وضع بسیار عصبانی شد و با دست خود محکم بر سر طوطی زد که بر اثر آن، پرهای سر طوطی ریخت و سرش کچل و بی پر شد. پس از آن طوطی دیگر آواز نخواند. بقال که علاقه زیادی به طوطی و آواز او داشت از کار خود پشیمان شد و با تاسف و تاجر آه و ناله می کرد و می گفت ای کاش دستم می شکست و بر سر این طوطی نمی زدم و به امید آن که طوطی دوباره سخن آید به فقرا و مستمندان صدقه می داد اما فایده ای نداشت. تا اینکه روزی جولقی که موی سر خود را تراشیده و خود را طاس کرده بود از کنار دکان عبور کرد. طوطی با دیدن او فوری به سخن آمد و فریاد برآورد که این فلان مگر تو هم مانند من از شیشه روغن ریخته ای؟ مردم از سخن طوطی و قیاسی که کرد به خنده افتادند. چنان که ملاحظه می شود تمثیل از جهت ساختار و عناصر سازنده اغلاطی منطقی دارد، چون طوطی هرگز بدون قفس نگه داشته نمی شود و اگر بدون قفس باشد پر و بالش را کوتاه می کنند، از طرفی طوطی چگونه از کچل شدن سرش باخبر شده است، مگر اینکه در آینه نگریسته باشد، به هر حال هدف مولوی از سرودن این قصه رساندن پیامش بوده است نه فر م و ساختار قصه. او به دنبال این تمثیل انواع تشابهات را که موجب قیاس غلط می شود بیان می کند:

کار پاکان را قیاس از خود مگیر گرچه باشد در نوشتن شیر شیر

که شیر هم به معنی جانور درنده است و هم به معنی حلیب. این دو کلمه از جهت لفظی با هم مشابه اما از نظر معنایی کاملاً متفاوت. یا در جایی دیگر می گوید:

همسری با انبیا برداشتند اولیا را همچو خود پنداشتند

گفت اینک ما بشر ایشان بشر ما و ایشان بسته خوابیم و خور

که در این مثال به سالکان و افراد ناآگاه هشدار می دهد که فریب ظاهر را نخورند و بر اساس ظاهر قیاس نکنند. به هرحال مولوی در این تمثیل ضمن بیان برخی نکته های اخلاقی و عرفانی به مخالفت با قیاس پرداخته و آن را مردود شمرده است از سالکان و رهروان می خواهد که در بحث شناخت و طی طریق به قیاس نپردازند.

در نبرد رستم و اشکبوس حکایت چنین آغاز می شود که سپاه سیل آسا و چند ملتی تورانیان راهی مرز ایران است. برای پشت گرمی سپاه ایران پیکی شتابان به زابلستان رفته است تا رستم بی درنگ خود را به سپاه ایران ملحق کند. توصیف صحنه های زنده و پر حرارت، که خواننده یک لحظه خود را در گوشه ای از میدان حاضر و ناظر صحنه نبرد می بیند از ویژگیهای زبان گرم و گیرای فردوسی است. اولین توصیف از کمان با توصیف دوم از آن کاملاً مغایر است و نکته ای که به هیچ وجه منطقی به نظر نمی رسد این است که چگونه کمان آماده رستم در میدان دوباره به زه می شود و یک کار دو بار صورت می گیرد. نبرد رستم و اشکبوس این فکر را تقویت می کند که شاید فردوسی زمام دقت و تیزبینی را یک لحظه از دست داده است و چنین توصیف متناقضی را ذکر کرده است یا اینکه نسخه برداران بدون توجه به اصل داستان و شرایط حماسه چنین ابیاتی را در لابلای شاهنامه گنجانده اند.

انتخاب داستان «گردآفرید» از شاهنامه دقیق و بجا بوده است اما هم این داستان و هم سایر داستان های انتخاب شده، درون مایه ای یکسان دارند؛ در حالی که بر همگان واضح و آشکار است که «شاهنامه فردوسی علاوه بر آنکه ترجمانی از تاریخ پرافتخار ایران و شناسنامه ای معتبر از پیشینه فرهنگ و ملت ماست، کارنامه روشن تربیت و اخلاق و آیین آرمان ها و مظاهر گوناگون زندگی ملتی است که از نخستین طلایه داران فضیلت و آزادگی در جهان است» (البرز، ۱۳۶۹: ۹).

«جمال و کمال» بریده ای بی سروته و یک صفحه ای از تفسیر قصه حضرت یوسف از احمدبن محمدبن زید طوسی است. البته این بریده مطلقاً به بخش های عاشقانه قصه حضرت یوسف اشاره نکرده و همان راهبرد پندآموزی را با زبانی سنگین در پیش گرفته است

مهم ترین درس فصل پایداری، شعر سیف فرغانی می باشد که در باب حمله مغولان سروده است:

هم مرگ بر جهان شما نیز بگذرد هم رونق زمان شما نیز بگذرد...

بی شک شعر سیف بهترین انتخاب برای ادبیات پایداری است، گرچه که چند بیتی از اصل آن کم شده است. در فصل ادبیات داستانی متأسفانه برای آن بسیار ضعیف تر از فصل های دیگر متن انتخاب شده است. فصلی که نوجوانان را به جد از خواندن و نوشتن کتاب و داستان گریزان می کند. با انتخاب هایی که مؤلفین محترم در این فصل کرده اند، آب پاکی را روی دست همه ریخته اند که هدف از درس ادبیات، اصلاً و ابداً ادبیات نیست. بلکه هدف تنها آموزش اخلاق در کتاب ادبیات است. هر کدام از متن های کتاب را که بخوانید طرز فکر مسلط بر انتخاب شان را می یابید. کتاب به شدت از بی روحی رنج می برد

و روح ادبی ندارد. «کباب غاز» جمالزاده از دهم به دوازدهم منتقل شده آن هم با از سرورته زدن داستان و حذف اسم صادق هدایت در آن. «سووشون» سیمین دانشور به همراه گل‌هایی که در نسیم آزادی می‌شکفت، حذف شده است. در سال‌های بعد و قبل گلدسته و فلک جلال و گیله‌مرد بزرگ علوی هم حذف شده است. هیچ‌اسمی (دقت کنید فقط اسم) از ستارگان تکرارنشدنی دوران طلایی ادبیات ایران در ادبیات داستانی آورده نشده است. مؤلفین کتاب‌های درسی تمام نویسندگان ایرانی را فارغ از دوره زیست‌شان، جنسیت‌شان، نگاه چپ و راست سیاسی‌شان و فارغ از توانایی‌شان در خلق اثر حذف کرده‌اند. چرا؟ چون کتاب ادبیات قرار است کتاب اخلاق باشد. نتیجه هم که از قبل معلوم است؛ بی‌اطلاعی محض از ادبیات کهن ایران، عدم تمایل به کتابخوانی، عدم تمایل به نویسندگان ایرانی، تسخیر بازار نشر ایران با آثار ترجمه‌ای ضعیف، ورشکستگی ناشران و نویسندگان ایرانی و قهقرای فرهنگی.

نتیجه‌گیری

ایراد بزرگی که در کل کتاب‌های درسی از دبستان تا دبیرستان وجود دارد، محدودکردن مفاخر شعر فارسی به خصوص شعر کهن به چند اسم است. دانش‌آموز بعد از دوازده سال تحصیل فقط حافظ و سعدی و فردوسی و مولانا را می‌شناسد و از شاعران دیگر حتی نمی‌تواند نام ببرد چه برسد که بیتی بخواند. مثلاً یکی از کتاب‌های مهم در ادبیات حماسی «گرشاسب‌نامه» است که حدود ۱۰۰۰۰ بیت دارد، اما کمتر ایرانی از آن شنیده است؛ چون از کودکی تنها کتاب حماسی که به او معرفی شده شاهنامه فردوسی است و بس. یا شاعرانی چون سنایی، ابوسعید ابوالخیر، رودکی، رابعه بلخی و دیگران که در کتاب‌های ما بسیار مهجورند. به نظر می‌آید تفکری در پی حذف آن‌هاست. همین‌الآن هم هرکشوری که یکی از مفاخر در آن دفن باشد (یا حتی نباشد مانند کشورهای عربی) ادعای مالکیت بر سر آن شاعر و آثار او را دارد و می‌خواهد برای کشور خودش تمدن‌سازی، تاریخ‌سازی و فرهنگ‌سازی کند. ما به جای مبارزه با این امر، خودمان به این قضیه دامن می‌زنیم. در صورتی که حداقل کاری که مؤلفین کتاب‌های ادبیات فارسی می‌توانستند انجام بدهند، معرفی تمام این مفاخر پارسی است که متعلق به ایران قدیم است. من سال‌ها بابت این قضیه خون دل خورده‌ام و فقط می‌گویم با حذف بزرگان ادبیات کهن به بهانه زادگاه و محل دفن آن‌ها که اکنون در کشور فارسی‌زبان دیگری است (ازبکستان، تاجیکستان، افغانستان و...) یا به بهانه وجود نشانه‌های تصوف و عرفان در شعرشان یا به بهانه دیگری بزرگترین خیانت قرن را به ایران و ایرانی می‌کنیم. زنان شاعر ما کجا هستند و نقش آنان چیست؟ تا کی اندیشه‌ها فدای مصلحت‌اندیشی‌ها می‌شوند؟

به نظر می‌رسد هرچه به سمت جلو آمده‌ایم، ضرورت نواندیشی و نوگرایی را به بوته فراموشی سپرده و نام و یاد این شاعران و نویسندگان بزرگ را از متون درسی دوره دبیرستان پاک کرده‌ایم. مگر چه می‌شد دانش‌آموزان مانند گذشته در فصل ادبیات داستانی با نویسندگان بزرگ داستان‌پرداز سرزمین خود چون جمالزاده، بانو سیمین دانشور و بزرگ علوی آشنا می‌شدند؟ چرا باید شعر «مولوی» و «نظامی» در کتاب فارسی دهم در زیرمجموعه ادبیات داستانی قرار بگیرد؟ اگر با چنین رویکردی بخواهیم به متون نظم و نثر نگاه کنیم، پس کل مثنوی و شاهنامه و حتی خسرو و شیرین و لیلی و مجنون نظامی باید در نوع ادب داستانی قرار داشته باشند. چرا و براساس چه متغیرهایی مؤلفان کتاب، ادبیات داستانی را این‌گونه تعریف کرده‌اند؟ با توجه به گستردگی و رشد و اعتلای ادبیات داستانی ایران پس از مشروطه و همچنین علاقه‌مندی دانش‌آموزان به شعر و ادبیات معاصر جای خالی این بخش به شدت احساس می‌شود و معلم در برابر سؤالات مکرر دانش‌آموزان بی‌سلاح و پاسخ مانده است.

نکته دیگر اینکه دانش‌آموزان در فصل ادبیات حماسی در فارسی دهم ۸۹ بیت از شاهنامه فردوسی و در فارسی یازدهم ۴۶ بیت از فردوسی و ۲۸ بیت از باذل مشهدی را می‌خوانند و قرار است این ابیات در سه قلمرو بررسی و نقد شوند. بدیهی است حجم گسترده ابیات لذت و حلاوت خوانش شاهنامه را از دانش‌آموزان خواهد گرفت؛ چرا که آنان به این می‌اندیشند که می‌بایست تک‌تک این ابیات را بخوانند و بررسی کنند و در امتحان پاسخ‌گو باشند. می‌شد در این فصل برای کاستن از حجم ابیات، بخشی به شکل نثر و بخشی به شعر فراروی دانش‌آموزان قرار می‌گرفت و به این شکل، لذت خوانش شاهنامه برای آنان دو چندان می‌شد.

منابع

- آشوری، داریوش. (۱۳۷۳). شعر و اندیشه. تهران: مرکز.
- البرز، پرویز. (۱۳۶۹). شکوه شاهنامه. تهران: دانشگاه الزهرا.
- اکبری، فریدون و دیگران، کتاب معلم، راهنمای تدریس زبان فارسی ۱، ناشر شرکت چاپ و نشر کتاب های درسی ۱۳۸۰
- امیری، کیومرث. (۱۳۷۶). زبان فارسی در (جهان و فرانسه)، ج ۶۸، تهران: شورای گسترش زبان.
- محمودی، محمدمحسن. (۱۳۸۸). کندوکاوی پیرامون ادبیات و داستان جنگ. تهران: بنیاد حفظ آثار.
- حمیدیان، سعید، شاهنامه فردوسی، تهران، قطره، ۱۳۷۳
- سارتر، ژان پل. (۱۳۷۰). ادبیات چیست؟ مترجمان: ابوالحسن نجفی و مصطفی رحیمی. تهران: زمان.
- رشد آموزش و زبان و ادب فارسی وزارت آموزش و پرورش، دفتر انتشار کمک آموزشی، شماره ۷۴، ص ۵۶ تا ۷۴
- سپهری، سهراب، هشت کتاب، تهران کتابخانه طهوری، چاپ چهاردهم، ۱۳۷۴
- میلر، جوزف هیلپس. (۱۳۸۳). ادبیات چیست. مترجم: سهیل سمی. تهران: ققنوس.
- سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی. (۱۳۹۵). فارسی ۱ پایه دهم دوره متوسطه. تهران: چاپ و نشر کتاب‌های درسی.
- فردوسی، شاهنامه، جلد دوم و سوم، تهران، قطره، ۱۳۷۵
- مولوی، جلال‌الدین، مثنوی معنوی، به تصحیح استاد فقیه بدیع الزمان فروزانفر (از روی نسخه نیکلسون) ناشر موسسه نشر رحیمی، چ ۱، تهران ۱۳۸۰
- مولوی، جلال‌الدین، چند داستان مثنوی به تصحیح کاظم دزفولیان، چ دوم، تهران، مرواری، ۱۳۸۸.
- نجفی ابوالحسن، فرهنگ فارسی عامیانه (ج ۲) (ج ۱)، نیلوفر، ۱۳۷۸.